

اقدام «ضد اطلاعاتی» «سیمای سوسیالیسم» علیه انترناسیونالیست‌ها

سایت پیکارگر کمونیست مدتی پیش، طی اطلاعیه‌ای پایان کار خود را اعلام کرد. به فاصله کوتاهی، نوشتاری از فعال این سایت در نقد زمینه‌های تاریخی مواضع سایت «پیکارگر کمونیست» انتشار یافت که در انطباق با موضع انترناسیونالیستی در قبال چپ ایران است. محفل مورد نقد این مقاله، یعنی «سیمای سوسیالیسم» ناتوان از رویارویی نظری با مواضع انترناسیونالیستی نوشتار مزبور اقدام به انتشار یک اطلاعیه در باره «هویت سیاسی» نویسنده مقاله میکند. وجه معینی از این اقدام ناپسند، اشاعه فرهنگ آلوده چپ ایران به فضای پیرامون جریان کمونیستی است. افشای ماهیت چنین اقداماتی، میتواند در خدمت پاکیزگی حرکت کارگران کمونیست باشد.

نگارنده این سطور، سالها پیش در نوشتاری تحت عنوان «نقدی بر مواضع و ترمینولوژی کمونیست امروز» مبانی فکری مواضع معشوش محفل «سیمای سوسیالیسم» را در سنن استالینی و نگرش «سوسیالیسم در یک کشور» یافته بود. اگر نوشتار «نقدی بر مواضع و ترمینولوژی کمونیست امروز» جلوه‌ای از تقابل فکری سنت انترناسیونالیستی با آخرین جرقه‌های استالینسم بود، نوشتار حاضر توضیحی است در تایید نظرات پیشین ما توسط محک تجربه. تجربه‌ای که گواه سیطره فرهنگ سخت‌جان استالینی در صف آخرین بازماندگان سربازان شکست خورده این سنت، در جنبش اصلاح طلبی است.

موضوع اصلی نوشتار «پیرامون پایان کار محفل پیکارگر کمونیست»، نه چپ ایران بطور کلی، بلکه انشعابات سازمان پیکار و سیر تکامل شاخه معینی از این انشعابات تحت عنوان «نبرد» و سرانجام، بقایای کنونی آن، یعنی «کمونیست امروز» می‌باشد. جمع‌بندی فعال سایت «پیکارگر کمونیست» از زمینه‌های تاریخی مواضع خود، نمونه بارزی از پیشروی جریان کمونیستی در جبهه نظری سیاسی است. این نوشتار با زبانی ساده، تراژدی چپ ایران را در برابر دیدگان خواننده خود قرار میدهد. تراژدی یک راهپیمایی طولانی و درجا زدن، در دایره باطل باورهای کمونیسم بورژوایی. مقاله «پیرامون پایان کار محفل پیکارگر کمونیست» پایان غم‌انگیز این تلاش و علل شکست آنرا بزبانی ساده بر ملا کرده و بر صحت مواضع انترناسیونالیستی پای می‌فشارد. نقطه ضعف نوشتار یاد شده، تاکید بر تجربی بودن این جمع‌بندی است. این مسنله موجب می‌گردد تا نقش نویسنده منتقد در سیر حرکت گروه‌های مورد نظرش، یک نقش کلیدی بنظر آید. همین امر خشم یکی از عناصر «اولیه» یکی از محافل مورد نقد آن نوشتار، یعنی محفل «سیمای سوسیالیسم» را برانگیخته و بدین سان اطلاعیه‌هایی توسط فعال «پیکارگر کمونیست» و نویسنده «سیمای سوسیالیسم» در برخی سایت‌های فارسی زبان منتشر میشود.

«سیمای سوسیالیسم» در واکنش به انتشار مقاله «پیرامون پایان کار محفل پیکارگر کمونیست» اطلاعیه‌ای منتشر میکند. این اطلاعیه شامل ده بند توضیحی در باره هویت و سابقه سیاسی نویسنده نوشتار «پیرامون پایان کار محفل پیکارگر کمونیست» می‌باشد. «سیمای سوسیالیسم» در بند اول اطلاعیه خود تاکید میکند که هدف آن نه بحث حول مواضع سیاسی نوشتار مورد

نظرش، بلکه بیان نکاتی در باره هویت نویسنده آن است. سپس نیز این اطلاعیه تماس و فعالیت منتقد سیمای سوسیالیسم را در گروه‌هایی چون پیکار، نبرد و سرانجام «سیمای سوسیالیسم» تکذیب میکند. آنگاه، با صراحت گفته میشود که نویسنده مقاله، نه فقط جزو همکاران «سیمای سوسیالیسم»، بلکه طی همان ارتباط کوتاهی هم که با سیمای سوسیالیسم داشته، هیچ ابراز نظر سیاسی نکرده و سپس نیز «بدلائل شخصی» منزوی میشود. اطلاعیه «سیمای سوسیالیسم» میکوشد تا بدینوسیله حول هویت سیاسی فرد نظر خود، شک و ابهام بیافریند.

پاسخ فعال سایت «پیکارگر کمونیست» به «سیمای سوسیالیسم» هر ناظری را شگفت‌زده میکند. نوشتار «سیمای سوسیالیسم یا سیمای سرمایه‌داری»، بعد غیر انسانی سیاست جامعه بورژوا را عریان کرده و در برابر دیدگان حیرت زده خواننده میگذارد. تنها چند استدلال این پاسخ، جای هیچ تردیدی نمیگذارد که نویسنده «سیمای سوسیالیسم» از سر استیصال و خشم، تصمیم به مجازات همکار سابق خود گرفته است. «سیمای سوسیالیسم یا سیمای سرمایه‌داری» براسستی نیز نیمرخ ناپیدای چهره کریه سیاست در جامعه بورژوا را نمایان کرده و نشان میدهد که سیمای سوسیالیسم با هدف خنثی کردن اثرات مقاله، متوسل به دروغ‌پردازی در باره هویت سیاسی نویسنده آن شده است. این نوشتار، همچنین نشان میدهد که بخشی از خشم نویسنده «سیمای سوسیالیسم» ناشی از این است که یک «هوادار» یا عضو معمولی جمع، پای خود را در کفش «رهبر» یا عضو «اولیه» کرده است. «رهبر» نیز، سلاح نفوذ سیاسی را از غلاف توریته بیرون کشیده و با کمال بیرحمی بر شقیقه زندگی سیاسی «هوادار» شلیک میکند.

وقوع چنین رخدادی، یعنی صدور اطلاعیه سیمای سوسیالیسم علیه هویت سیاسی همکار دیروز و منتقد امروز خود، عین دفاع این محفل از مواضع خود است. به رغم تاکید بر «اطلاع‌رسانی صرف نظر از مواضع سیاسی»، اطلاعیه «سیمای سوسیالیسم» آشکارترین دفاع از سنن استالینی محسوب میشود. نوشتار «سیمای سوسیالیسم یا سیمای سرمایه‌داری» حق دارد. نویسنده اطلاعیه «سیمای سوسیالیسم» بطور مذبحانه‌ای کوشیده تا از فراز پلاتفرم‌های سیاسی عبور کرده و هویت منتقد خود را هدف قرار دهد. اما این همه واقعیت نیست. این اطلاعیه، برخلاف ادعای خود، بر مواضع نوشتار مورد نظرش چشم نبسته است. به وارونه، میکوشد تا با فرار از صحنه جدال نظری و پنهان کردن چهره سیاسی خود در تاریکی، جریان انترناسیونالیستی را نیز مورد هدف قرار دهد.

وگرنه، چرا مطالب «پیکارگر کمونیست» حتی همین امروز در سایت سیمای سوسیالیسم قرار دارد؟ چرا سیمای سوسیالیسم با سایت «پیکارگر کمونیست» همکاری کرده و از این طریق، توضیح این سایت در باره هویت‌اش را تا کنون مورد تایید قرار داده است؟ چرا درست زمانی که سایت «پیکارگر کمونیست» در دفاع از مواضع انترناسیونالیستی، اطلاعیه خاتمه فعالیت خود را منتشر میکند، سیمای سوسیالیسم، تصمیم به اطلاع‌رسانی در باره سابقه سیاسی فعال سایت «پیکارگر کمونیست» میگیرد؟ اطلاعیه «سیمای سوسیالیسم» به خوانندگان خود، و بیش از همه به «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» میگوید که: کلیه نکاتی که فعال سایت «پیکارگر کمونیست» طی مباحثات خود در باره خویش نوشته، غیر واقعی و جعلی هستند. ممکن است تا خوانند آن اطلاعیه، در نگاه اول چنین برداشت کند که «سیمای سوسیالیسم» کوشیده تا با «هشدار» در باره هویت و سوابق

سیاسی فرد معینی، «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» را از عواقب خطرناک پیوستن این «فرد مشکوک» بدان آگاه سازد؟ چنین تصویری، اما محصول بی‌پرنسیپی «سیمای سوسیالیسم» و ادعای دروغین، «صرف نظر کردن از مواضع» سیاسی نوشتار مورد نظرش است. روشن است که تایید یا رد سوابق سیاسی کسانی که چپ سرمایه را طرد میکنند، توسط گروه‌های مدافع این سنت، هیچ اعتباری در نزد «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» ندارد.

صرف نظر کردن از مواضع سیاسی و گرفتن ژست «اطلاع‌رسانی» یک شگرد کهنه در سیستم سیاسی جامعه بورژوا است. نویسنده اطلاعیه «سیمای سوسیالیسم» که خود زمانی یکی از مبارزان ضد استبدادی بود، نیک میداند که چگونه ساواک آریامهری و ساوامای اسلامی، این شگرد را در مقابل مخالفین خود بکار می‌گرفت. وی حتماً بیاد می‌آورد که چگونه کارشناسان دستگاه امنیتی آریامهری، مخالفان دستگاه استبداد را، افرادی بیمار و مالیخولیایی که بخاطر مسائل روحی «خرابکار» شده‌اند، معرفی می‌کردند. بیمارانی که قرار بود تا در شکنجه‌گاه‌های اوین تحت درمان قرار گرفته و یا در دانشگاه‌های لاجوردی «گفتار درمانی» شوند.

نام این شیوه مقابله با مخالفان سیاسی، بکارگیری «تاکتیک ضداطلاعاتی» است. اقدام «ضد اطلاعاتی» شیوه‌ای است که سازمان‌های امنیتی جامعه بورژوا، از طریق شیوع «اطلاعات» غیر واقعی برای مقاصد سیاسی آتی، بطور سیستماتیک بکار می‌گیرند. در بعدی وسیعتر، اسنادی که انگلیس و آمریکا در باره امکانات جنگی «صدام» تهیه کرده بودند، یک شیوه «ضد اطلاعاتی» در پیشبرد اهداف جنگی بود.

انتشار اطلاعیه توسط «سیمای سوسیالیسم» یک شیوه ضد اطلاعاتی، برای خرابکاری در حرکت کارگران کمونیست است. این اقدام را باید بدعت‌گذاری بکارگیری شیوه «ضداطلاعاتی» در مقابله با رشد جریان انترناسیونالیستی تلقی کرد؟

اطلاعیه «سیمای سوسیالیسم» در باره هویت و سوابق کسی که اعلام پیوستن به انترناسیونالیست‌ها کرده، ادامه مبارزه ضد استبدادی این جریان نیست. دوران مبارزه ضد استبدادی و درخشش قهرمانان این مبارزه، دیری است که به پایان رسیده. حال، با عروج جریان کمونیستی، زمان بکارگیری تجارب دوران ضد استبدادی «چپ‌ها» علیه طبقه کارگر و جنبش سیاسی آن فرا رسیده است. اینچنین است که اینان، در یک جبهه، پایه پای فرستادگان جاریان‌ها به خارج از کشور، برای ایجاد سندیگاه‌ها و تشکل‌های قانونی سینه چاک میکنند، و در جبهه دیگر، علیه کارگران انترناسیونالیست و پیشروی آنان پاپوش میدوزند و خرابکاری میکنند. این یک رسوایی سیاسی است. لکه‌نگی است بر پیشانی جناح چپ اپوزیسیون بورژوایی ایران.

سیمای سوسیالیسم یا سیمای سرمایه‌داری؟

در پی درج مقاله اینجانب پیرامون پایان کار سایت «پیکارگر کمونیست»، اطلاعیه‌ای توسط نشریه «سیمای سوسیالیسم» در باره هویت سیاسی و سابقه من منتشر شده است. در این اطلاعیه که در ده بنده آمده، تاکید شده که من ربطی یا آشنایی با «بخش منشعب»، «سازمان پیکار»، «گروه نبرد» و سپس «کمونیست امروز» نداشته‌ام. بعد هم گفته شده که گویا من مدتی هوادار «فدایی»، بعد هم هوادار «حزب کمونیست کارگری» و بعد هم هوادار پروپا قرص «سیمای سوسیالیسم» بوده‌ام. سیمای سوسیالیسم، طوری از من و هویت من حرف زده که گویا مجید فرجام فردی است که اصلا با سیاست آشنا نبوده یک سری اطلاعات را از نشریات جمع کرده و بعد هم حرفهایی زده که حتی قابل بحث هم نیستند. برای همین نیز «سیمای سوسیالیسم» تصمیم گرفته تا در باره هویت سیاسی و سوابق من اطلاعیه صادر کند. در پاسخ به این اطلاعیه، چند نکته را بیان میکنم:

1- سیمای سوسیالیسم یک نشریه تئوریک است. یا حداقل ادعایی تئوریک بودن دارد. اما در پاسخ به یک نقد در باره نظرات و سیاستش، نه به نظرات من، بلکه علیه خود من و هویت من اطلاعیه صادر کرده است. جالب است که این نشریه که به کرشمه‌بازی زبانی و لفاظی بیمارگونه هم شهرت یافته، امروز در ادامه کشفیات تئوریکش، کشف کرده که، من هیچ ربطی به گروههایی که در اختناق آریامهری سیانور در دهان، فعالیت میکردند نداشتیم. سؤال این است که چرا یک نشریه تئوریک، به جای دفاع از مواضع خودش، در باره اینکه مجید فرجام اصلا حتی هوادار سازمانهای مورد نقد هم نبوده «اطلاعیه» صادر میکند. برآستی هم باید برای نشریه تئوریکی که در دفاع از مواضع نظری‌اش دست به حذف و حتی مجهول‌هویه، نامیدن، همکار سابق خود میزند، باید حق داد. باید حق داد که شما حتما از افراد موثر همان گروههای چریکی بوده‌اید و تمام افتخارات و سوابق‌اش ارزانی‌تان باد. اما دکان تئوری‌هایتان را لطف کنید با همین اطلاعیه، ببندید. حال، حقایقی که میخواهم خیلی خلاصه در اینجا طرح کنم.

2- سیمای سوسیالیسم نشریه تئوریک کمونیست امروز است. من نمیخواهم با کسی که بنام نشریه تئوریک، در قبال نظراتم، یا درست‌تر بگویم، در قبال نظرات کمونیست‌های انترناسیونالیست که من از آن دفاع کرده‌ام، دست به ترور شخصیتی زده بزبان خودش سخن بگویم. حرف سیمای سوسیالیسم این است که مجید فرجام نقشی در سازمانهای مورد نظر، سیمای سوسیالیسم نداشته و کوشیده تا با خط کشیدن زیر عبارات، افراد اولیه، نشان بدهد که من «هوادار» بوده‌ام. برای من بحث کردن روی موقعیت تشکیلاتی یا میزان اولیه و ثانویه بودن در فلان گروه نیمه مذهبی، در این زمانه، مایه شرم است. من اعتراف میکنم که «هوادار» بوده‌ام. و امروز اعتراف میکنم که حتی به همان هوادری خود هم انتقاد کرده‌ام. تمام افتخارات تاریخی و رهبری، گروههای مورد نظر سیمای سوسیالیسم، ارزانی، آقای ناصر پایدار باشد که در پس نشریه تئوریک قائم شده، و از مسئولیت خودش سوء استفاده کرده و علیه من، افشاگری هویتی راه می‌اندازد. همین اقدام آقای ناصر پایدار، برای جدی گرفتن «تئوری‌های» سیمای سوسیالیسم‌اش کافی است. اما آقای پایدار، این رسمش نیست. این سیمای سوسیالیسم نیست، سیمای مافیا است. فقط در مافیا کسی همراه خودش را برای منافع، شخصی حذف میکند. باشد، شما رهبر بودی و ما هوادار. اما این بدین معنا نیست که شما میتوانید، هر وقت که از نظر من خوش‌تان نیامد، اسلحه را بیرون کشیده و مرا سر به نیست کنید. خوب من نظرم را گفته‌ام. ولی شما به جای بحث، با نام با مسما «سیمای سوسیالیسم» که قرار است نشریه نظری باشد، اطلاعیه‌ای در 11 بند صادر کرده‌ای که مرا آدمی مشکوک و مجهول و تقریباً خطرناک معرفی میکند. سؤال من این است که حالا اگر کسی از نظر و سنت دیگری دفاع کرد باید مجازات شود؟ من با تو قبلاً شفاهی حول نظرات انترناسیونالیست‌ها بحث کردم و دیدم که رنگ و رویت عوض میشود و به لکت زبان می‌افتی. خوب، خودت میدانی که من میدانم، شما اهل حرف زدن در آن میدان نیستید. اما من میدانستم از سر درماندگی، اینطور علیه من، چاقو تیز میکنید؟ انصاف هم چیز خوبی است.

3- آقای ناصر پایدار! در تماس تلفنی‌ات برایم توضیح میدهی که متن مقاله من، تو را حسابی عصبی کرده بود و آن کمترین جوابی بود که میتوانستی به من بدهی. آنوقت در اطلاعیه نشریه تئوریک خودت از من فردی مجهول که جعل هویت کرده می‌سازی. لابد این هم جزو متد تئورهایت است. اما فکرش بکن، نام من، یعنی مجید فرجام، پای تاییدیه‌هایی که برای تعدادی

پناهندگان فرستاده شده ثبت شده است. تاییدیه‌های «کمونیست امروز» را میگویم. نام من در بیانیه تاسیس «بنیاد کار»، که از طرف کمونیست امروز در آنجا شرکت کرده و در دفاع از مواضع «پوشالی» کمونیست امروز سخنرانی کردم، ثبت است. اطلاعیه مطبوعاتی بنیاد کار که در سال 2000 منتشر شده، را نگاه کن تا یادت بیاید. در کنفرانس دوم هم که بدون شما و به تنهایی به عنوان نماینده محفل مشترکمان، در آن جلسه شرکت کردم. حالا که علیه بندو بست تو با امثال حکیمی و بی ربطی فعالیت‌ها و نظراتان به کمونیسم بحث کرده‌ام، از کوره در رفته و همه چیز را انکار میکنید. آیا من نبودم که به اعلامیه نوشتن شما بنام دیگرانی که وجود خارجی ندارند اعتراض میکردم؟ خوب من همراه شما بودم و در یکدوره به نقد روش کار سیاسی و نظراتان رسیدم و با تکیه به مواضع انترناسیونالیستی نقد نوشتم. شما باید آنقدر عصبی بشوید که این همه اسناد از فعالیت من بجای مانده را از یاد ببرید و مشتکی دروغ را بعنوان اطلاعات در باره هویت من بنویسید؟ خوب عضویت مرا در جمع اولیه سیمای سوسیالیسم، تکذیب کردی. در جمع «ثانویه» چه؟ در جمع «هواداران» چه؟ خلاصه جواب انتقادات نظری مرا، چه میدهی. آیا چونکه من «اولیه» نبودم، پس نظرات من موضوعیت و اعتبار ندارد. این که «سیمای سوسیالیسم» نیست. این سیمای سرمایه‌داری است. خوب، «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست»، در نقد خود، بر نوشته‌های شما، عاقبت غم‌انگیز شما، و باید امروز اعتراف کنم، عاقبت من راهم، پیش بینی کرده بود. مثل بقیه گروههایی که بی‌جهت خودشان را کمونیست میخواندند. امروز من گفته‌ام که آن مواضع انقلاب است. آیا باید مجازات شوم؟ نظرات من چه ربطی به موقعیت تشکیلاتی من در سی سال پیش دارد؟ اصلا من خیلی هم بی‌هویت هستم. تو، آقای ناصر پایدار، که اینقدر عطش هویت داری، لطف میکردی، جواب انتقادات را میدادی. حالا اینکار را نکردی. خوب چرا برای من تاریخ میسازی. نشریه «تئوریک» «سیمای سوسیالیسم»، کشف کرده که بیست و پنج سال پیش مجید فرجام هوادار فدایی بوده و نه هوادار بیکار. واقعا باید به حال کسانی که تئوری‌های چنین نشریه‌ای را جدی میگیرند، تاسف خورد.

4- من مجید فرجام هستم! تو گفته‌ای که اصلا مرا نمی‌شناسی. آیا تو واقعا «فردی بنام مجید فرجام را نمی‌شناسی؟ البته نشریه سیمای سوسیالیسم، چنین گفته. حتی گفته شده که اصلا هیچ سازمانی مرا نمی‌شناسد. شناخت مرا هم از سازمانها زیر سنوال برده‌ای. نوشته‌ای که

از نشریات اطلاعات جمع کرده‌ام. همه حرفهای «تئوریک» شما درست. اما چرا مقاله‌های کسی را که نمی‌شناسی و مطالب سایت کسی را که نمی‌شناسی، یعنی سایت «پیکارگر کمونیست» را در سایت «سیمای سوسیالیسم» کذایی خودت جای داده‌ای و امروز هم وجود دارند؟ چرا، سایت «پیکارگر کمونیست» را که از سابقه خود دو صفحه در اولین صفحه‌اش نوشته بود، را تکذیب نکردی؟ جالب این است که این «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» بود که هم به جنبه اطلاعاتی سایت من که دقیق نبود، یعنی محافل سوسیالیستی دوره بحران را، گرایش سوسیالیستی، نامیده بودم و هم به نفس وجود چنین سایتی ...، انتقاد کرد. شما اما آنرا تایید کردی و همین امروز، مطالب من، با امضای «پیکارگر کمونیست»، در سایت «سیمای سوسیالیسم» موجود است. چرا شما روی سوابق خودت و سازمان‌های دیگر معامله میکنید؟ چرا آنجا که انتقاد میشود، همه زندگی سیاسی را اینطور با عجله به قمار میزنید. چرا دو سال در مقابل سایت «پیکارگر کمونیست»، همکاری و سکوت داشتید، اما موقع انتشار اطلاعاتیه خاتمه فعالیت آن، یاد افشاگری هویت فعال اصلی سایت می‌افتید. من میدانستم که شما چنین وحشتی از جنبش چپ کمونیستی و چنین دل پری از «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» دارید که نزدیکی دوست و همکار سابق‌تان، به این جریان را با چنین دشمنی و کینه‌ای پاسخ میدهید. این رفتار غیر سیاسی و ناپسند شما، باور مرا نسبت به نظرات و صحت مواضعی که از آن دفاع میکنم، بیشتر کرد.

5- این رسم انصاف و انسانیت نیست. آقای پایدار، من با آن مشقت، برای کمک به شما برای خروج از کشور، زیر بار قرض رفتم. آیا این من نبودم که تمامی جزوات مربوط به دوره فعالیت داخل کشور را دستنویسی کردم و برای شما به خارج کشور فرستادم. مدتی از عمر و زندگی‌ام را، خوب یا بد، با هدفی مشترک در کنار شما، ببخشید، در هواداری از شما، صرف کردم. حالا فرض کنید نظرات سیاسی من غلط بود. بالاخره، در انسانیت و مناسبات انسانی، یک چیزهایی محترم است. از جمله حرمت انسانها. من مطمئن هستم که اگر این وضع که در خارج کشور پیش‌آمده، اگر در اختناق ایران در گروهی رهبری شما پیش می‌آمد، مرا سربه نیست کرده بودید. شما از سویی با محافلی که با اصلاح‌طلب‌ها سروسری دارند، جنبش لغومزدی راه می‌اندازید، آنوقت در اینجا، علیه یک کمونیست که موضع انقلابی اختیار کرده، «اشد مجازات» برقرار کرده و پرونده سازی میکنید. کاری که حتی در حزب‌های بورژوایی هم کم اتفاق می‌افتد.

6- من پیشنهاد دیگری دارم. اینبار، نه با امضای «سیمای سوسیالیسم» بلکه با امضای خودت ادعاهایت را راجع من تکرار کن، آنوقت من نیز، در باره هریک از بندهای آن اعلامیه کذایی با اسناد، حرف میزنم. ولی الان فقط به استدلال اکتفا میکنم. این هم شاید طنز روزگار است که یک نشریه نظری، کارش به اینجا کشیده شود که علیه فردی که از نظرات آن انتقاد کرده، اعلامیه افشاگرانه در باره هویت و سابقه سیاسی آن، برای بی اعتبار شمردن نظراتش بدهد. در این چپی که من شناخته‌ام، هرچیزی رخ میدهد، اما اطلاعیه «سیمای سوسیالیسم» پایان غم انگیز و عاقبت تاسف‌باری برای این نشریه تئوریک است. روش «سیمای سوسیالیسم» در مواجهه با نظر، خودش سندی است، برای قضاوت روی منطق و اندیشه آن. برایتان متاسف هستم که حتی حاصل زحمات، نظری خودت و نام سیمای سوسیالیسم را، اینقدر ارزان به حراج سیاسی میگذارید. آنهم برای خراب کردن، دوست و همکار(هوادار!) سابق.

7- آقای ناصر پایدار! شما به همه زحمات و تلاش‌های من اهانت کرده‌اید. مرا آدم مشکوک و مجهول‌الهویه جا زده‌اید، فعالیت و حثیت سیاسی مرا به بازی گرفته‌اید. یا باید از بند بند، آن اطلاعیه کذایی «سیمای سوسیالیسم» تان دفاع کنید و مستند هم دفاع کنید. یا اگر توضیحی در اصلاح اطلاعیه‌تان، منتشر نکنید، من تمام اسناد موجود از حرکت مشترک با شما را منتشر میکنم، تا هم‌ردیفانتان از این رسوایی سیاسی درس گرفته و دیگر دست به این نوع ماجراجویی‌ها نزنند. روش خوبی نیست. اما انتخاب با شما است.

8- به اطلاع همه خوانندگان این متن میرسانم که بزودی سایتی بنام «آرشیو پیکارگر کمونیست» دایر کرده و در آن سایت اسناد مربوط به این ماجرا را جای خواهم داد. امیدوارم که آقای پایدار و سیمای سوسیالیسم‌اش، با توضیح صادقانه‌ای در باره این اقدام شتابزده و انتقام‌جویانه‌اش، آن هم با این شیوه ناپسند، ضرورت چنین کاری را منتفی سازند. در اینصورت آرشیو پیکارگر کمونیست، نیروی خودش را صرف اهداف خود کرده و مطمئن میشود که امثال سیمای سوسیالیسم، نیز در پاسخ به نظرات انقلابی، به روش‌های «ترور شخصیتی» متوسل نمیشوند. چنین باد

2006-01-14
مجید فرجام!

در مورد مجید فرجام

در روزهای اخیر نوشته ای با امضای کسی به نام «مجید فرجام» در سایت هایی درج شده است که توضیح نکات زیر در باره آن ضروری است.

1. فردی که نوشته مذکور را تنظیم کرده است و کسی که پای آن را امضاء نموده است، حداقل از دید این نشریه، افرادی نیستند که گفته های آنان موضوعیت و اعتباری برای داوری یا گفتگوی سیاسی داشته باشد. هدف این یادداشت مطلقاً اشاره به چند و چون حرفهای سیاسی آنها نیست، به این دلیل مشخص که فاقد چنین موضوعیتی هستند.

2. فردی به نام مجید فرجام، هیچ ربطی و هیچ نوع ارتباطی به «بخش منشعب مارکسیستی سازمان مجاهدین نداشته است و تا آنجا که اطلاع داریم در دوران وجود این تشکیلات اهل هیچ نوع فعالیت سیاسی نیز نبوده است.

3. مجید فرجام مطلقاً با گروه «نبرد برای رهائی طبقه کارگر» نیز هیچ تماسی نداشته است.

4. نامبرده در هیچ نوع ارتباط سیاسی با «گروه کمونیستی نبرد» نیز قرار نداشته است.

5. «فرجام» هیچ نوع ارتباطی با «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» هم نداشته است.

6. مجید فرجام در طول چند سال اول انتشار «سیمای سوسیالیسم» و تا پیش از انتشار شماره هشتم این نشریه هیچ نوع ارتباط و هیچ آشنائی با هیچ یک از رفقای دست اندر کار آن نیز نداشته است.

7. تا آنجا که ما می دانیم فرجام در روزهای پس از وقوع قیام بهمن مانند بسیاری افراد دیگر خودش خود را هوادار سازمان فدائی می دانسته است. چندین سال بعد، پس از خروج از ایران هوادار «حزب کمونیست کارگری» می شود، کمی بعد با گروه «شورای کار» تماس

می گیرد. پس از اینها خود را طرفدار دو آتشه و بسیار پر و پا قرص نشریه سیمای سوسیالیسم معرفی می نماید.

8. مدت ارتباط فرجام با منتشر کنندگان سیمای سوسیالیسم و فعالین جنبش لغو کار مزدی یکسال بیشتر دوام نمی آورد. او نه به خاطر مسائل سیاسی و نه به هیچ دلیل نظری، بلکه صرفاً به دلیل پاره ای مسائل شخصیتی در انزوا قرار می گیرد و پس از مدتی خود، رابطه خویش را قطع می کند.

9. با توجه به آنچه گفته شد، ادعای مجید فرجام که به نوعی خود را همراه بخش منشعب مارکسیستی مجاهدین معرفی نموده است!!! اینکه او گویا با گروه نبرد برای رهائی طبقه کارگر بوده است!!! اینکه گویا با گروه کمونیستی نبرد همکاری داشته است!!! اینکه گویا عضو « سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» بوده است!!! اینکه گویا از همراهان اولیه افراد منتشر کننده سیمای سوسیالیسم بوده است و بالاخره اینکه گویا با این رفقا اختلاف سیاسی داشته است!!! و تمامی داستان های دیگری که در نوشته با امضای او سر هم بندی شده است، همه و همه کذب محض هستند.

10. اطلاعاتی که مجید فرجام در باره این جریانات در نوشته اش آورده است، همگی نکاتی هستند که یا در متون سیاسی چپ خوانده است و یا احیاناً از زبان یکی از فعالین این روابط شنیده است.

11. از سایت شما می خواهیم که این توضیحات را در رابطه با نوشته مورد بحث درج نماید.

سیمای سوسیالیسم

مجید فرجام منبع: سایت دیدگاه

پیرامون پایان فعالیت «محفل» پیکارگر کمونیست!

محفل «پیکارگر کمونیست» با انتشار اطلاعیه‌ای، پایان فعالیت سایت خود را اعلام کرد. این اقدام در نتیجه مباحثات ما با رفقای تشکیلات کارگران انترناسیونالیست طی دو سال گذشته، صورت گرفت. حقیقت این است که، موجودیت و سپس انحلال سایت پیکارگر کمونیست، تنها لحظات کوچکی، از یک حرکت پرفرازونشیب، بر بستر یک تاریخ معین بوده است. تلاش برای دست‌یافتن به یک بدیل کمونیستی، به گذشته بسیار دورتری برمیگردد. از همین رو و در آستانه آغاز همکاری با رفقای «تکا»، نگاهی مجدد به راه طی شده، ضرورت دارد. نگاه به گذشته از نظرگاه انترناسیونالیستی، به ناچار نگرشی انتقادی به گروه‌های متعددی چون، سازمان پیکار، گروه نبرد، محفل کمونیست امروز و سرانجام سایت «پیکارگر کمونیست» را نیز دربر دارد. اما هدف این نوشته، نه نقد این یا آن گرایش، بلکه بیان چکیده‌ای از تجارب تاریخی است.

گسست یا به تعبیر درست‌تر برش از یک گرایش سیاسی تاریخی امر آسانی نیست. روند رسیدن به این برش در تمامی حوزه‌ها، برای یک فعال سیاسی، راهی است پرفراز و نشیب. در طی این روند بغرنج و ناهموار گاه مانند کودکی که تازه راه رفتن را آموخته است افتان و خیزان تلاش می‌کند روی پاهای خود بایستی و با سر آگاه و انقلابی راه درست را تشخیص دهد و موانع را یکی پس از دیگری هموار سازی. اما از آنجا که قانون تکامل خطی نیست و از منشورها و موانع مختلف عبور می‌کند، باید در تمامی لحظات خود را در معرض نقد انقلابی قرار دهی تا بر روی ریل واقعی تکامل حرکت نمائی. این همان راه ناهمواری است که عناصر و محافل منتسب به جریان انتقادی درون جنبش کارگری، ناگزیر بوده و هستند تا آنرا طی کنند. متأسفانه راه میان‌بر و کوتاه‌تری وجود ندارد. اشیاء و پدیده‌ها سرگذشت و تاریخی را می‌گذرانند. از زمان پیدایش خود تا آن هنگام که زوال می‌پذیرند، از حالات و مراحل گوناگونی می‌گذرند. مفهوم رشد یا تکامل پروسه بازگشت ناپذیر این تغییرات متوالی را نشان می‌دهد. می‌گویم بازگشت ناپذیر زیرا هر پدیده یا شیئی که در تاریخ حیات خود از مرحله‌ای گذشت، دیگر بدان بازگشتی نیست، چون زمان تنها دارای یک سمت، یک بعد، از گذشته به آینده است.

به عقیده من فراز و نشیب‌ها و تجارب تاکنونی را می‌شود از این منظر توضیح داد تا به نتایج قابل فهمی دست پیدا کرد. تجارب مورد بحث من در این نوشتار، از بخش منشعب و

مارکسیست لنینیست سازمان مجاهدین تا «کمونیست امروز» و سرانجام «پیکارگر کمونیست» تماماً جلوه‌هایی ست از همین فرازو فرودهای سیاسی. تجربه‌آزمون و خطای این دوره‌ها حلقه واسطی ست در جهت تکامل و رفتن بسمت سنن کمونیسم انقلابی. سؤال این است که چرا، نسلی از پویندگان راه سعادت و رهایی انسان، در برابر این راه پرفراز و نشیب قرار گرفت؟ روشن است که این شرایط تاریخی است که چنین «انتخابی» را بر این نسل، تحمیل کرد. میتوان به فاکتورهای زیادی اشاره کرد. در عام‌ترین تحلیل و بررسی، شرایط امپریالیستی تولید سرمایه‌داری و مسائل مربوط به انکشاف کاپیتالیستی جامعه ایران، ارتداد سران انترناسیونال دوم از مارکسیسم و ظهور سوسیال‌دمکراسی در غرب و سرانجام پروسه شکست انقلاب کارگری اکتبر از مهمترین فاکتورهای تاریخی مزبور هستند. استقرار سرمایه‌داری دولتی در روسیه یا بخشهای دیگری از جهان زیر لوای سوسیالیسم، بر پیدایش و تکامل چپ ایران تأثیرات تعیین‌کننده‌ای نهاد. چپ ایران در شرائطی متولد گشت که جنبش باصطلاح کمونیستی در سطح بین‌المللی از روایت مارکسیستی سوسیالیسم، فاصله گرفته بود. چپ بطورالعموم صرفنظر از برخی تندنسن‌های پاره‌وار و منفرد مارکسیستی، در انسجام یکپارچه خود چیزی بیشتر از چپ بورژوازی نبود. مشخصاً درک چپ ایران از سرمایه‌داری درکی عمیقاً غیر مارکسیستی و بورژوائی، تبیین‌وی از شرائط امپریالیستی تولید عموماً ناسیونالیستی، سوسیالیسم‌وی تماماً سرمایه‌داری دولتی، انقلاب‌وی حاوی مضمونی تمام‌عیار رفرمیستی و بینش‌وی نسبت به برنامه، کار روتین و خط مشی عملی جنبش کارگری، در بهترین حالت، متأثر از مائوئیسم، استالینیسم و تروتسکیسم بوده است. چرا که، جنبش‌هایی چون فدائیسیم، توده‌ایسم، همواره یک پای در دستگاه‌های فکری مد روز دانشگاهی داشتند. در بستر چنین شرایط تاریخی بود که گروه‌ها و گرایشاتی در بین جریانهای موسوم به خط 3 آغاز به تلاش برای برش از این دستگاه‌های فکری کردند. تلاشی که همواره در بن‌بست تاریخی خویش محصور ماند و نتوانست دریچه نوینی بسوی آینده بگشاید.

سازمان پیکار و خط 3

در میان چپ ایران گرایشاتی وجود داشتند که تمایزات مهمی را هم با خود حمل می‌کردند، اما این گرایشات برغم تفاوت‌هایشان، هیچگاه فراتر از دایره شمول ویژگی‌های یاد شده نرفتند. تمایزات اینان، بیشتر تجلی آرمانگرایی انسانی در مقابل فرصت‌طلبی‌های گروهی، انقلابیگری سطحی در برابر اپورتونیسم عیان بود. در مواردی نیز شاهد واکنش سیاسی ناشی از وابستگی اجتماعی بخش‌های از اینان به طبقه کارگر و فرودست در برابر تعلقات بورژوائی بودیم. به همین ترتیب نیز بعضاً واکنش‌های رفرمیسم سندیکالیستی در مقابل ناسیونال‌لیبرالیسم، در شکل‌گیری انشعابات در طیف یاد شده نقش داشته است. اما تا

آنجا که به بحث ما مربوط میشود وحدت‌ها و انشعابات رایج در میان این طیف از چپ لاجرم، فراتر از این مشخصه های عمومی نرفته است.

بخش منشعب از سازمان مجاهدین زمانی معرف چپ ترین بخش از جنبش چپ ایران در میان گروههای داخل و خارج بود. تجزیه این تشکیلات و انشعابات سال 57 آن نیز قطعاً در جهت گسست از دستگاه نظری چپ سرمایه سیر نمی کرد. طی سالهای 56 و 57 حاکمیت بلامنازع بوروکراتیسم ناشی از مشی چریکی و عدم تمکین رهبری به خواست اعضا منجر به تشدید کشمکش‌هایی در سطح رهبری و اعضاء گردید. بخشی از اعضاء خواستار تاسیس کنگره و ارجاع رهبری به تشکیلات شورای نمایندگان بودند. این کشمکشها دوام چندانی نیافت و پس از مدتی، مجموعه بخش منشعب در آستانه یک انشعاب قرار گرفت.

در خلال جدائی‌ها، بخش منشعب به دو گروه و یک سازمان تقسیم گردید. اکثریت، تحت نام سازمان پیکار شروع به فعالیت کرد و دو گروه باقیمانده بنامهای «گروه نبرد برای رهائی طبقه کارگر» و «گروه آرمان در راه آزادی طبقه کارگر» اعلام موجودیت نمودند.

برغم تمامی تشبثات شبه کمونیستی، برداشت گروههای فوق از مبانی مارکسیسم و تحلیل آنها از نظام سرمایه داری، در داریست همان نظرگاههای چپ سرمایه، محصور ماند. توضیح شیوه تولید مسلط جامعه تحت عنوان سرمایه داری وابسته، درکی ناسیونالیستی از سرمایه داری معاصر، نقدی مائوئیستی و یا سوسیال دمکراتیک از سوسیالیسم روسی، باور به جمهوری دمکراتیک خلق و مشابه اینها خطوط کلی مواضع و نظرات سازمان پیکار و گروههای مشابه را تعیین می کرد. بر همین اساس سازمان پیکار و گروههای هم‌ردیف آن، از لحاظ محتوای تبلیغ و کار روتین عملی قادر به جهتگیری کمونیستی نگشتند. هفته نامه‌های آنها از جمله نشریه پیکار ارگان سیاسی سازمان در مجموع به طرح همان مطالبی می پرداخت که تمامی مطبوعات دیگر خط 3 به درج آن می پرداخت. تقلا برای افشاء سیاست های ضدکارگری رژیم اسلامی، بحث ژورنالیستی پیرامون مناقشات میان گروههای درونی حاکمیت، اخبار مبارزات کارگری وتوده‌ای، مجادلات مکتبی و فرقه گرایانه با سایر گروههای خط 3 به شیوه تمامی گروههای دیگر و طبعاً زیر لوای مبارزه ایدئولوژیک، افشاء توده ایها و اکثریتی ها و نظائر اینها از جمله مباحث این روزنامه بودند.

سازمان پیکار و گروههای مشابه علیرغم زیگزاک‌هایش، از جمله جریاناتی بود که بر ماهیت ضدانقلابی حاکمیت تاکید داشت. با این وجود، این موضع گیری با همه رادیکالیسم ظاهری اش هیچ نشانی از نقد کمونیستی دولت نداشت. جمهوری اسلامی بدرستی ارتجاعی و ضد انقلابی و ضد کارگری ارزیابی می شد، اما به این دلیل که مثلاً قادر به رفع سلطه اقتصادی و سیاسی امپریالیسم نبود. گویا قرار بود جمهوری اسلامی سلطه سیاسی اقتصادی سرمایه داری جهانی را قطع کند و بدلیل عدم پایبندی به «رسالت تاریخی اش»

ضدانقلاب شده بود. برداشتی که اساساً در روایت دستگاه نظری چپ سرمایه از سرمایه داری معاصر ریشه داشت. به کلام دیگر، دیدگاهی که از یکسو تمامی هست و نیست و ستیزش با سرمایه انحصاری در اتوپی استقلال صنعتی خلاصه می گردید و از سوی دیگر در جستجوی انقلابی دمکراتیک برای تحقق این اتوپی موهوم مکتبی بود. پیکار نیز همسان همه گروههای دیگر خط 3 برای برقراری جمهوری دمکراتیک خلق مبارزه می کرد و انقلاب را تنها از این روی که موفق به استقرار چنین جمهوری نشده بود، شکست خورده تلقی می نمود. پیکار در تکاپوی به پیروزی رساندن یک انقلاب خلقی و دمکراتیک تامین خودکفائی اقتصادی و استقلال صنعتی بود. یعنی همان اتوپیای کهنه چپ ناسیونالیست ایران که بمنابۀ بخش مطالبات فوری کارگران و زحمتکشانش در برنامه اش تبلیغ می کرد. کاری که دیگر گروههای خط 3 نیز با ولع و اشتیاق مشغول انجام آن بودند.

پیکار از سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی نیز در ارگانش سخن می راند، اما سوسیالیسم وی همانند سوسیالیسم مورد نظر دیگر گروههای موسوم به خط 3 فقط سرمایه داری دولتی بود. سازمان پیکار در زمینه اعلام رسمی ماهیت «سوسیال امپریالیستی» اردوگاه شوروی از سویی بر مبنای فکر مائوئیسم تکیه داشت و از سوی دیگر تئوری سه جهان را مردود می شمرد. اما نقدش بر اردوگاه و مائوئیسم، درست بسان موضعگیری و نقد سازمانهای دیگر، هیچ سنخیتی با کمونیسم انقلابی نداشت. در یک کلام سازمان پیکار در منتهی‌الیه چپی بود که در مجموع نه چپ کارگری و کمونیستی بلکه یک چپ ناسیونالیست بود. بر همین اساس این طیف به همراه کل چپ درگیر تناقضی فرساینده و بن بستنی سخت ویرانساز بود. تناقض میان دریافت های تئوریک و خط مشی عملی سوسیالیسم خلقی از یکسو و نیاز به الزامات دخالتگری مؤثر در جنبش کارگری از سوی دیگر، طیف خط 3 را بیش از پیش به ورطه بحران فرو میراند. بحرانی که سرانجام در آغاز سال 60 چهره خود را آشکار کرد.

با اوجگیری این بحران بر بستر اختناق و سرکوب لجام گسیخته، جناح بندی های سازمانی و مشاجرات درونی میان آنها شدت گرفت. طرفین این مشاجرات اما هیچکدام با پرچم مارکسیسم انقلابی حرکت نمی کردند. هیچ بدیل کمونیستی در مقابل خط مشی سوسیالیسم بورژوایی حاکم بر کل چپ ابراز وجود نکرد. این سرنوشت محتوم، کما بیش در انتظار سایر جریانات مشابه قرار گرفته بود. یکی دیگر از گروههای اصلی که در خلال این تحولات جزء فعالین محافل طیف انقلاب سوسیالیستی گشت، بقایای «گروه کمونیستی نبرد» بود. این گروه هم مانند سازمان پیکار دستخوش تحولات اساسی گردید. فعالین «گروه نبرد» پس از یکدوره بحث و کشمکش های درونی سرانجام بدون ارائه هیچگونه راه حل کمونیستی، راه تجزیه و انشعاب را در پیش گرفتند.

یک گرایش درونی این گروه یعنی «رزمندگان م.ل» مروج نوعی انحلال طلبی و فرار از صحنه

بود. آنان بن بست دستگاه نظری حاکم بر گروه را بدون هیچ گونه نقد مارکسیستی به نبود تئوری ارجاع می دادند. بر همین مبنی نیز این گرایش، خواستار روی آوری به مطالعات فلسفی گشت. در مقابل اعضای نبرد سابق، گرایش دیگری که متشکل از جریان موسوم به «د ر ک» (دانشجویان روشنفکر کمونیست) بود، عموماً بر تداوم انقلابیگری رایج در آندوره پافشاری کرده و از برنامه ریزی لازم برای پرداختن به مطالعات تئوریک همراه فعالیت‌های عملی دفاع میکرد. این کشمکش سرانجام پس از چند ماه به انشعاب غالب اعضای رزمندگان م.ل از گروه کمونیستی نبرد منتهی شد. انشعابی که خیلی زود به انفعال تام و تمام و بی بازگشت اکثر آن افراد و خروج همیشگی شان از کار متشکل سیاسی منجر گردید. پس از وقوع این انشعاب نبرد در صدد جمع و جور کردن مجدد خود برآمد اما دیگر زمان نه در این راستا که در جهت خلاف آن حرکت می کرد.

بحران ناشی از تناقض خط مشی سوسیالیسم بورژوایی حاکم بر چپ از یکسو و حملات هار و سبانه رژیم اسلامی سرمایه از سوی دیگر، هرگونه مجال تداوم کار به شیوه های سابق را سلب می کرد. حدوداً دو ماه بعد از انشعاب رزمندگان م.ل، کشمکش دیگری میان بخش باقی مانده نبرد بروز کرد. این کشمکش در شرائطی روی میداد که بخش عظیمی از سازمانهای چپ زیر فشار ضربات کوبنده رژیم سخت متلاشی شده و از ادامه فعالیت بازایستاده بودند.

عده ای از اعضاء خواهان عدول از فرقه بازی، وحدت با پیکار و تلاش برای حفظ نیروهای باقیمانده از یورشهای فاشیستی رژیم، تدارک مقابله متحد با این یورشها و ادامه فعالیت و در همان حال تلاش برای نقد خط مشی موجود شدند. در چنین شرایطی بود که بخش باقیمانده نبرد با برخی از اعضای قدیمی سازمان پیکار گروه جدیدی بنام بخش مارکسیست لنینیستی، انقلاب سوسیالیستی سازمان پیکار تاسیس کردند. این گرایش، ضمن تلاش برای جمع آوری افراد پراکنده و حفظ آنها از حملات رژیم، کار تئوریک پیوسته و در عین حال فشرده ای را سازمان دادند. آنان بمیزان توانشان در جهت رسیدن به تبیین انقلابی از مارکسیسم و برش از کمونیسم‌های بورژوایی رایج کوشیدند. این گرایش برای دستیابی به تحلیل مارکسیستی از سرمایه داری، دولت، انقلاب کارگری، روایت مارکسیستی از سوسیالیسم، تلاشهای بعمل آورد و در همین رابطه نشریه ای بنام «راه کمونیسم» را منتشر کرد. واقعیت تلخ و عریان شرایط دیکتاتوری از یکسو و نبود سنن کمونیستی از سوی دیگر، آن محدودیت تاریخی بود که مانع از موفقیت این تلاشها گشت.

مختصات فوق سیمای عمومی چپی بود که ما بر متن آن پروسه تکاملی خود را برای عبور و برش از آن تداوم دادیم.

بنابراین نطفه های آغازین پروسه گسست ما از درک و دریافت دستگاه نظری چپ سرمایه با شناخت از همین مولفه های مهم شکل گرفت. اکنون، با نگاه از مکان دستاوردهای امروز، درمی یابیم که همین روند، شاید در ابعادی جدی تر، توسط محافل مستقل کارگری، در جریان

بوده است. نگاهی به ادبیات «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» و راهی که سرانجام، اهتزاز درآمدن پرچم کمونیسم انقلابی را رقم زد، نشان می‌دهد که در دل دورانی از شکست‌ها و گسست‌ها، یک تحول مهم تاریخی، در حال نطفه‌بستن بود. تحولی که امروز، فعالین از تاریخی معین را بزیر پرچمی واحد گرد می‌آورد. با این وصف، باید اذعان داشت، تداوم راه در شرایط خارج از کشور، هنوز به معنای رهایی از تندپیچ‌ها و موانع موجود نبود. از همین رو تجربه «کمونیست امروز» و پایان درس‌آموز این تجربه، شایسته تامل بیشتری است.

کمونیست امروز

خروج تعدادی از رفقای باقیمانده منتسب به طیف انقلاب سوسیالیستی سازمان پیکار بارقه‌های امید برای شکستن بن‌بست در نزد ما را همچنان زنده نگه داشته بود. با جدایی یکی از عناصر اصلی این گرایش از حزب کمونیست ایران، بار دیگر، تلاش برای تداوم راهی که در ایران شروع شده بود، از سر گرفته شد. نتیجه این تلاش مجدد، انتشار جزوات «سیمای سوسیالیسم» و سازمانیابی محفلی ما بر گرد «کمونیست امروز» بود. برای ما، یا حداقل، در نزد نگارنده این سطور، تداوم و تکامل راهی که ما مشترکا در ایران دنبال کرده بودیم، یک امر بدیهی بود. برغم این راه دراز، ما کار را با شک و تردید آغاز کردیم. شک و تردید، چرا که تمام تاریخ گذشته، عبارت بود از تشکیلات سازی‌های ناموفق. اما این بار نیز چنین به نظر میرسید که واقعیات، برخلاف تصورات و برداشت‌ها، تکامل می‌یابند. راه حل اصولی، برای نگارنده این سطور، بازنگری انتقادی مباحث «کمونیست امروز» بود. این کار ضروری و عاجل مینمود. بویژه آنکه، فاکتورهای سیاسی جدیدی شرایط را تغییر داده بودند. یکی از این فاکتورها، عروج جریان‌های جدیدی بود، که روایت دیگری از مارکسیسم و کمونیسم را در پیش‌پای منتقدان تاریخ تاکنونی چپ ایران، قرار میداد. بدین ترتیب، مطالعه مجدد مباحث «کمونیست امروز» در شرائطی آغاز شد که تفاوت‌های اساسی بین درک از کمونیسم انقلابی ابراز وجود کرده بود. مباحث چپ کمونیست و جنبش انترناسیونالیستی مانند قطب نمائی جهت را در این راه تاریک و ناهموار، روشن کرده بود. نظرات و مواضع «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» سئوالات مهمی را در پیش پای هر مدافع چپ، از جمله مدافعان مباحث «کمونیست امروز» قرار داده بود. حقیقت این بود که نقطه عزیمت سلسله بحث‌های سیمای سوسیالیسم، برای پرداختن به معضلات جنبش کمونیستی، از اساس خطا بود. زیرا مباحثی که ادعای نقد و برش از دستگاه نظری چپ سرمایه داشت، هیچ نشانی از مبانی کمونیسم انقلابی نداشت. نقطه شروع مباحث «کمونیست امروز» تعریف خویش همچون جزئی از سنت کمونیسم کارگری، در تمایز حککا بود. «سیمای سوسیالیسم» خود را نماینده کمونیسم کارگری راستین می‌پنداشت و حککا را نماینده «کمونیسم کارگری» غیر راستین. در حالی که با نیم‌نگاهی به اسناد حککا، تصویر دیگری پیش چشمان ما می‌نهاد. رهبر و بنیانگذار این حزب بارها و بارها اعلام داشته

بود که حککا از هیچ سنتی نمیاید و خود را یک حزب مدافع سنن مدرن (غربی) معرفی می‌کرد. حتی برنامه سیاسی این حزب نیز چیزی فراتر از همین «مدرنیزه» کردن ایران ارائه نمی‌کند. بنابراین محفل «کمونیست امروز» از یک سو میکوشید تا بقول خودش، دست به ریشه برده و به نقد بنیادهای فکری چپ دست زند، از سوی دیگر در سطحی نگری خیره کننده‌ای درجا زده و میکوشید با سنت تراشی جدیدی بدعت گذار سنتی باشد که صاحب اصلی آن دستگاه فکری، آنرا فاقد هرگونه سنت میدانست.

علاوه بر آن، بی‌ثباتی سیاسی و اغتشاش نظری «کمونیست امروز» یادآور معضلات همیشگی گروههای گذشته بود. در یک شماره از نشریات قطور، شاهد طرح شعار حکومت کارگری بودیم، در شماره دیگر شعار حاکمیت سازمان مدنیت سوسیالیستی بدون هیچ گونه توضیحی طرح می‌شد. از یکسو خود را تلویحاً مبلغ و مروج کمونیسم شورائی می دانست، از سوی دیگر، مدافع «کمونیسم کارگری راستین» بود. هر فرد سیاسی آشنا به نحله‌های فکری به محض مشاهده این تناقضات، قطعاً خودش را مورد پرسش قرار می داد که چگونه ممکن است هم کمونیست شورائی بود که با هرگونه حزب سازی مخالف است و هم کمونیست راستینی که بدنبال برنامه برای ساختن حزب کمونیست کارگران است. هرچقدر بر نظرات «کمونیست امروز» تامل بیشتری می‌شد، دامنه اغتشاش و تناقض آن آشکارتر میگشت.

یکی دیگر از همین تناقضات مسئله انترناسیونالیسم بود. انترناسیونالیسم پرولتری یکی از رکن های اساسی هر برنامه کمونیستی می باشد. نحوه نگرش به انترناسیونالیسم، دوری و نزدیکی یک برنامه را با مبانی اساسی مارکسیسم انقلابی محک میزند. محفل «ک.ا.» با سماجت تمام معتقد به برقراری سوسیالیسم در یک کشور بود. این برداشت و نگرش از اساس با احکام مارکسیسم و برنامه کمونیستی در تعارض بود. چرا که اساساً طرح این بحث، نه فقط ریشه در چشم‌پوشی بر ماهیت و مفهوم سوسیالیسم داشت، بلکه از مهمترین درس‌های تاریخی جنبش پرولتری حول مسئله استراتژی و تاکتیک حزب کمونیستی غافل بود. درس‌هایی چون علل شکست انقلاب اکتبر که همچون یک انقلاب جهانی در آلمان زمینگیر شد. خصلت جهانی انقلاب کمونیستی، امری است عینی که بوسیله خصلت جهانی سرمایه خلق شده. روشن است که سرمایه‌داری جهانی به یکباره محو نمیشود و انقلاب کمونیستی ناگزیر است تا در گام اول راه پیشروی را با براندازی دولت‌های ملی باز کند. اما توهم ایجاد جزیره سوسیالیستی در جهان سرمایه‌داری، توهمی کودکانه است. بدین ترتیب روشن است که تبیین نادرست این محفل از نظام سرمایه داری در دوره کنونی، «کمونیست امروز» را به این موضع غیر کمونیستی سوق میداد. درک محفل ک.ا. همان درک ناسیونالیستی و استالینی «سوسیالیسم در یک کشور» بود. «کمونیست امروز» ادعا می‌کرد که چپ‌ها نتوانسته‌اند

رابطه انباشت سرمایه و اضافه ارزش حاصله از استثمار طبقه کارگر را خوب آنالیز و یا آناتومی کنند. سپس نتیجه می‌گیرند که عدم موفقیت چپ در این باره موجب ضعف در زمینه سازمانیابی کارگران شده است. این استدلال بدفهمی نویسنده و بی ربط بودن منطق او را نسبت به تغیر و تحولات اجتماعی تاریخی نشان می‌دهد.

سرتاسر مباحث «کمونیست امروز» در حوزه های مختلف مملو از پارادوکس‌هایی است که فقط به نمونه‌هایی از آن اشاره شد. اغتشاش فکری حاکم بر این مباحث موجب شد تا در طی 3 سال اخیر محفل مزبور جهت‌گیری سیاسی خود را روشن نماید. شوربختانه این سمت‌گیری بر خلاف انتظارات و برآورد های سیاسی در حال حرکت است. پیش‌بینی، یا انتظار هر ناظری این بود که این محفل با همان تناقضات خود بسمت کمونیسم شورائی برود. اما تجارب دردناک چپ ایران را گویا پایانی نیست. محفل «کمونیست امروز» نیز، با موج چپ ایران، به جناح «اصلاح طلبان رادیکال» پیوست.

یک هدف اساسی جنبش اصلاح طلبی داخل ایران، به بند کشیدن جنبش کارگری و تبدیل کردن آن به سکویی برای چنگ اندازی مجدد به قدرت است. جریان ارتجاعی دوم خرداد در این مسیر شکست خورد. اما امروز، طیف ادامه دهنده جنبش اصلاح طلبی برای فتح این سنگر مهم اجتماعی تمامی ابزارهای خود را بکار گرفته است. از بکارگیری توابع سیاسی سابق گرفته تا ساختن احزاب و سندیکاها کارگری و سرانجام جلب متحدین خویش در میان طیف چپ اپوزیسیون. محفل «کمونیست امروز» نیز همانند دیگر گروه‌های ضدکارگری موجود در صف اپوزیسیون جمهوری اسلامی، به یکی از مدافعین پروپا قرص جناح چپ اصلاح طلبان تبدیل شده و کلیه امکانات خود را به انحاء مختلف در خدمت این طیف قرار داده است. متأسفانه محفل مزبور برغم تلاش برای برش از دستگاه نظری چپ سرمایه به نیمه راه نرسیده متوقف شد.

تناقضات درونی این محفل آنرا تاجائی سوق داده است که تبدیل به تریبون عناصر ضد کمونیست مانند آقای محسن حکیمی شده است. کسی که با صراحت تمام و با برخورداری از حمایت محافل قدرت در داخل، رسالت خود را تحقق بخشیدن به اهداف ضد انقلابی اصلاح طلبان در جنبش کارگری قرار داده و در این مسیر دشمنی خود را با کمونیست‌ها و سنتت کمونیستی را هیچگاه پنهان نکرده است. سرانجام تلخ و عبرت آموز «کمونیست امروز» بار دیگر یاد آور این تجربه تکرار شده در تاریخ چپ ایران است. امری که در نهایت محصول جایگاه طبقاتی این چپ و مواضعی سیاسی آن می‌باشد. حقیقت این است که کلیه گروه‌ها و گرایش‌های جناح چپ سرمایه، برغم تفاوت‌هایشان، در نقش گروه‌های فشار جناح‌های چپ و سویاپ اطمینان آن در آستانه هر بحران ظاهر میشوند. نقش فعلی کمونیست امروز و دیگر گروه‌های چپ ایران در مضحکه‌ای که اصلاح طلبان براه انداخته‌اند، این حقیقت را به اثبات میرساند.

«کمونیست امروز» اگر قصد عبور از دالانهای تاریک فکری چپ سرمایه را داشت، اولین گام برای عبور از این مهلکه، میتوانست اقدامی جسورانه برای مطالعه و بررسی علل شکست انقلاب اکتبر باشد.

این محفل اما به همان سبک و سیاق جریانات تاکنونی، نقد خود را نه از بنیادهای فکری چپ سرمایه، بلکه با خورده ریزهائی مونتاژ شده بنام نقد، با اهداف کوتاه بینانه شروع کرد و در نهایت نیز در چنبره همان چپ گرفتار ماند. تمامی تجارب تاکنونی، نشان داد که پیش شرط شکل گیری یک قطب قدرتمند کمونیسم انقلابی تنها و تنها برش قطعی و انقلابی از دستگاه فکری چپ و نقد بنیادهای نظری با اتکا به درسهای تاریخ جنبش انترناسیونالیستی است.

پیکارگر کمونیست

پس از جدایی از «کمونیست امروز» و شگل گیری شبکه جدیدی از ارتباطات محدود در میان این طیف، سایت «پیکارگر کمونیست» بوسیله نگارنده این سطور ایجاد گردید. برغم کمبودها و نقائصی چند، مواضع و مباحث «پیکارگر کمونیست» کاملاً متکی بر چشم انداز چپ کمونیست و جنبش انترناسیونالیستی بود. مواضعی که دست‌یابی بدان، ثمره یک دوره طولانی از تلاش و مبارزه بود. دوره‌ای که از گستره آن زمان پیدایش محافل انقلاب سوسیالیستی در اوایل سال 60، تا طرد محفل کمونیست امروز را در بر میگیرد. نه فقط مواضع و جهت‌گیری «پیکارگر کمونیست»، بلکه محتوای سایت از لحاظ ادبیات موجود، آشکارا حکایت از تلاش این حرکت، برای همگرایی با «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» میکرد. امری که باید آنرا مهمترین دستاورد «پیکارگر کمونیست» بشمار آورد. با این وجود باید پذیرفت که ظهور و سرانجام پایان کار «پیکارگر کمونیست» نیز حلقه‌ای بود که تجارب تا به امروز را تکمیل میکرد. یک درس مهم این تجربه کوچک، دریافتن دشواری مبارزه برخلاف جریان بود. شکل‌گیری یا آغاز فعالیت یک جریان چپ، به مانند پیوستن به یک موج اجتماعی است که هم از لحاظ فکری و هم از لحاظ اجتماعی در حال بازتولید خود است. مصالح فکری و عملی آن توسط نهادهای نظم موجود فراهم است. ایستادن در مکان انترناسیونالیستی و پیشبرد مواضع انترناسیونالیستی در قبال تحولات ریزو درشت دنیای کنونی، پاسخگویی به ضرورت‌های مبارزه سیاسی در حوزه‌های مختلف، فشار خرد کننده‌ای را به عناصر انقلابی تحمیل میکند. دشواری راه، تو را ناگزیر میکند یا به عقب بازگردد، و یا برای پیشروی، درس‌های جریان‌های موجود در سنت کمونیستی را جدی بگیری. این چنین بود که سایت پیکارگر کمونیست، با مواضع و مکانی که داشت، قادر به بازتولید خود بمثابه یک جریان کمونیستی نگشت. راه حل اما نه بازگشت به گذشته، بلکه گامی به پیش بود. این تجربه در عین ناکامی تلخش درس‌های گرانبهایی به ارمغان آورد. مهمترین درس آموزی از این تجربه ناموفق، سمت گیری اصولی برای کار روتین کمونیستی بود. سایت «پیکارگر کمونیست» تنها جریانی بود که در کنار «تکا»

ایستاد و به دفاع از مبانی کمونیسم انقلابی دست زد. به هر روی سمت گیری سایت پ-ک بسوی سنن کمونیستی را باید جلوه‌ای از پیشروی جریان انترناسیونالیستی تلقی کرد. آغاز بکار سایت مزبور و جهت گیری آن نشان از تاثیر پذیری از یک جنبش تاریخی در پروسه برش از چپ سرمایه داشت. سنتی که برغم نیم قرن سلطه ضدانقلاب بر جنبش کارگری، از مواضع طبقاتی پرولتاریا دفاع کرده و پرچمی بدور از آلودگی‌های کمونیسم‌های بورژوازی را در اهتزاز نگاه داشته است. به امید روزی که، حرکت انترناسیونالیستی، با گردآوری گردانهای پیشرو و مبارز جنبش پرولتری در گرد پرچم کمونیسم انقلابی، راه پیشروی جامعه بشری بسوی کمونیسم را بگشاید.

زنده باد کمونیسم انقلابی!

2 ژانویه 2006

مجید فرجام

اطلاعیه «تشیکلات کارگران انترناسیونالیست» در باره سایت «پیکارگر کمونیست»

سایت «پیکارگر کمونیست» با انتشار اطلاعیه‌ای در روز گذشته به فعالیت خود خاتمه داد. این اقدام گامی در پیشروی مباحثات میان سایت «پیکارگر کمونیست» و «تکا» محسوب می‌گردد.

یکی از نکات مورد بحث «تکا» با سایت «پیکارگر کمونیست»، آن زمینه تاریخی بوده که این سایت از آن، تحت عنوان «گرایش سوسیالیستی پیکار» یاد میکند. بدیده «تکا» سخن راندن از وجود یک گرایش سوسیالیستی، متکی بر مواضع انقلابی، در حیات چند دهه اخیر چپ ایران، نه بلحاظ تاریخی و نه در حوزه نظری، قابل دفاع نیست.

بخش دیگر مباحثات «تکا» با سایت «پیکارگر کمونیست» مربوط به ناروشنی‌های نظری مطالبی بود که «پیکارگر کمونیست» منتشر، یا جهت بحث، برای «تکا» ارسال می‌کرد. سرانجام توافق گردید تا ضمن خاتمه بخشیدن بر جهت‌گیری سایت «پیکارگر کمونیست» از طریق نقد زمینه‌های تاریخی آن و کار نظری حول مواضع جنبش انترناسیونالیستی، مباحثات بصورت علنی تداوم یابد.

سازمانیابی کمونیستی، امری مربوط به امور شخصی اعضای این یا آن گروه نیست تا انعکاس رخدادهای آن نیز تابع امیال آنان گردد. منشاء وجود جریان کمونیستی مبارزه طبقه کارگر است. از همین رو، جریان کمونیستی ملزم است تا امکان آگاهی و دخالت‌گری دیگر مبارزان جنبش کارگری در روند سازمانیابی کمونیستی را، به‌سان روندی متعلق به طبقه کارگر، در حد امکان، فراهم سازد. اکنون، سایت «پیکارگر کمونیست» طی اطلاعیه‌ای آمادگی خود جهت برداشتن گام‌های عملی برای سازمانیابی کمونیستی را اعلام کرده است. فعالین «تشیکلات کارگران انترناسیونالیست» دست این رفقا و کلیه کسانی که به صف نبرد انترناسیونالیستی می‌پیوندند را می‌فشارند. به امید آنکه تداوم مباحثات، در خدمت پیشروی جریان کمونیستی قرار گیرد.

بسوی سازمانیابی کمونیستی. برای کمونیسم

1 ژانویه 2006

«تشیکلات کارگران انترناسیونالیست»

اطلاعیه مطبوعاتی سایت «پیکارگر کمونیست»

منبع: سایت دیدگاه

کارگران کمونیست، فعالین جنبش کارگری، انسانهای آزادیخواه! بدینوسیله پایان کار سایت «پیکارگر کمونیست» را اعلام میداریم. سایت «پیکارگر کمونیست» از همان ابتدای موجودیت خویش، بر تعلق خود را به سنن چپ کمونیستی و حرکت بسوی تقویت جنبش انترناسیونالیستی تاکید ورزید. اکنون، با گذشت دو سال از حیات این سایت و در راستای مطالعات و مباحثات حول سنن و هدف یاد شده، وظایف جدیدی در دستور فعالین سایت قرار گرفته است. توقف سایت پیکارگر کمونیست، اقدامی است در راستای پاسخگویی بدین وظایف و برداشتن گامی عملی برای سازمانیابی کمونیستی کارگران. امری که به نوبه خود، در خدمت رشد و پیشروی جنبش انترناسیونالیستی و شکل‌گیری بدیل کمونیستی قرار میگیرد.

ما بزودی، بیانیه‌ای حول جوانب مختلف حرکت تاکنونی سایت پیکارگر کمونیست و گام‌های بعدی فعالین آن، منتشر خواهیم کرد. اما مطلوب آن یافتیم تا به منظور جلوگیری از هرگونه سوتفاهم احتمالی برای بازدیدکنندگان این سایت، توقف فعالیت آنرا رسماً اعلام داریم. بدین ترتیب، از تاریخ انتشار این اطلاعیه، هیچ فرد یا سایتی، مجاز نیست تا تحت نام «پیکارگر کمونیست» موجودیت داشته یا دست به انتشار اسناد آن بزند. ضمناً از مسئولین محترم سایت‌های سیاسی خبری تقاضا می‌کنیم تا نام «پیکارگر کمونیست» را از لیست لینک‌های خود حذف نمایند.

29 دسامبر 2005

محفل پیکارگر کمونیست!